

قواعد الفبایی کردن نامهای کتب

فارسی و عربی

دکتر جعفر شعار

اغلب مشاهده می‌شود که ترتیب نامهای کتب در کتابخانه‌های عمومی بایکدیگر اختلاف فاحش دارد و از این رو مراجعه‌کننده در پیدا کردن کتاب مورد نظر توفیق نمی‌یابد و پس از کوشش بسیار و اتلاف وقت سرانجام متوجه می‌شود که تنظیم‌کننده بر که هاسابقه خاصی به کار برده، مثلاً حرف «آ» را همزه و الف منظور کرده و میان رو الف «آسمان» فرقی قائل شده است یا اینکه الف و لام را در آغاز نامهای عربی کتابها (اعم از کتب عربی یا فارسی) از قبیل المعجم، الفهرست، المنجمد، یا در وسط آنها مانند: کامل التواریخ، کشف الاسرار، لباب الالباب و جزآن به حساب آورده یا نیاورده است.

یا در کلماتی مانند: آیین، آینه، یا بعد از الف را همزه دانسته و همزه منظور داشته است.

یادرنامهای مرکب مانند دیوان سنائی، دیوان حکیم سنائی، بعضی «دیوان» را در ترتیب الفبایی محسوب کرده و آنرا در باب دال آورده‌اند و بعضی محسوب نداشته در حرف سین یا ح قید کرده‌اند.

این قبیل اختلافات که بخشی از آن بر پایه شیوه خط فارسی است کار را بر کتابدار و کتابخوان دشوار ساخته است، و نتیجه آن هرج و مرجی است که در برگه‌های کتابخانه‌ها به چشم می‌خورد. نگارنده در اثنای تدوین قواعد مربوط به این امر، توانست مورد اختلاف را بررسی کند، و اینکه خلاصه آنها را در اینجا می‌آورد:

۱- در فارسی واو همیشه بره‌ها مقدم است.

مورخان یونان

مانند :

مهدویت در اسلام

۲- هاء غیر ملفوظ :

الف - هاء غیر ملفوظ در همه موارد نوشته می‌شود و منظور می‌گردد :
نامه‌ها (نه نامها) جامه‌ها (نه جامها) بهره‌مند (نه بهرمنند) علاقه‌مند (نه علاقمند)

ب - اگر بعد از هاء غیر ملفوظ یا نکره یا ضمیر یا نسبت بیاید به صورت

«ای» نوشته می‌شود: نامه‌ای ، جامه‌ای ، شیوه‌ای ، رفته‌ای (نه نامه‌یی ...)

ج - «چه» (ضمیر و صفت استفهامی) همیشه جدا از کلمه مابعد نوشته می‌شود:

چه می‌نویسی؟ چه می‌خوانی؟ چه کار کنیم؟ به استثنای : چرا، چگونه، چنان ،

چطور، چقدر که پیوسته نوشته می‌شود. در اسامی کتب مانند:

چنین باشد

چه کار کنیم تا خوشبخت شویم

چگونه اطفال رشد می‌کنند

چه کار کنیم تا خوشبخت شویم

چه گونه اطفال رشد می‌کنند

د - در مقام آوردن صفت برای کلمه بختوم به هاء غیر ملفوظ یا در موقع

اضافه فقط به همزه‌ای در بالای آن اکتفا می‌شود:

چنین نباشد

چنین باشد

تذکره نصرآبادی

تذکره دولت‌شاه

تذکره دولتشاه

تذکره نصرآبادی

۳- همزه بعضی از کلمات مانند آئین ، آئینه ، بیائید و جزآن یا نوشته می‌شود

و منظور گردد :

چنین نباشد

چنین باشد

آئین دوستیابی

آل‌هویه

آل‌هویه

آیین دوستیابی

همچنین است در اکثر کلمات عربی متداول در فارسی که همزه بعد از الف یا ه تلفظ می‌شود: غایب، جایز، رایج، زایل، فواید، جوایز...

یادآوری - اگر نام کتابی به خلاف این قاعده‌ها و قواعد دیگری که یاد خواهد شد چاپ شده باشد باید صحیح کلمه را در نظر گرفت و در صورت لزوم شکل غلط آن نیز در مورد خود آورده شود و ارجاع گردد.

۴- «آ» و «الف» در وسط کلمات در ترتیب الفبایی هر دو الف محسوب شود (منظور این است که «آ» همزه و الف حساب نشود اگرچه در کلمات عربی در اصل چنین است). در این مورد کلمات عربی را هم تابع زبان فارسی می‌کنیم:

چنین نباشد	چنین باشد
مازندران و استراباد	مآخذ قصص مثنوی
مآخذ قصص مثنوی	مازندران و استراباد
(منشآت قائم مقام - منشأ تربیت...)	
یادآوری - الف پیش از همزه است.	

۵- تشدید در نامهای کتابها منظور نخواهد شد، مانند قصه انسانیت (یا «قصص الانبیاء» تنظیم و مقایسه شود).

۶- در مورد واو معدوله صورت مکتوب در نظر گرفته می‌شود نه ملفوظ: خواهران و برادران ما، خویشنداری، خانواده، خودشناسی.

۷- «ت» در آخر کلمات عربی که در فارسی به کار می‌روند اگر تلفظ شود به صورت تاء کشیده نوشته شود و در ترتیب الفبایی همچنین «ت» محسوب گردد، مانند: نعمت، سلامت، سعادت، مساعدت، مکاشفات، قضات، دعوات، مُعَلَّات مراجعت، جهت.

و هرگاه به صورت هاء غیر ملفوظ باشد به همین صورت «ها» نوشته شود و «ها» محسوب گردد: مبارزه، مکاتبه، مراسله، مراجعه، تذکره، تعرفه.

یادآوری - در وسط ترکیبات عربی از قبیل حدیقة الحقیقة ، سیرة النبی ،
روضة الشهداء نیز «ها» منظور شود .

۸- الف مقصور (صدای آ) در آخر کلمات عربی به صورت الف نوشته شود و نیز
الف منظور گردد (به استثنای نامهای خاص): اعلا، مبتلا، قوا ، تقوا ، فتوا ، مصفا ،
متها -

تقلا	معلا	معما
تقلب	معلم	معمر

در مثالهای فوق در صورتی که یا حساب شود ترتیب تغیر می یابد .

۹- از همزه کلمات ممدود عربی (مانند صحراء ، شهلاء) و از غالب همزه های واقع
بعد از الف صرف نظر شود : مجمع الفصحاء (الفصحاء) تاریخ الحکما ، قصص العالما .
۱۰- الف و لام عربی در آغاز نامهای کتب محسوب نمی شود ولی در وسط
محسوب می گردد :

المعجم ، الفصول فی الطب ، الفرج بعد الشدة ، الوسیط ، المنجد ، الهلال ، الانسان ،
الکامل ، الفوق بین الفرق .

یادآوری - در برخی از نامها که الف و لام در واقع جزء نام است (مانند: الکتاب
میبویه ، الفهرست ابن الندیم) دوفیش نوشته شود فیش اصلی بی الف و لام ، وفیش
دیگر با الف و لام ، و در دومی ارجاع گردد . مثالها برای الف و لام در وسط نامها:
کامل التواریخ ، کشف الاسرار ، کشف المحجوب ، اسرار البلاغه ، مبادی -
العریبه ، لباب الباب ، لسان العرب ، مجالس المؤمنین ، بحار الانوار ، مجمع الفصحاء ،
مقدمة الادب .

یادآوری - الف و لام در نامهایی که از قبیل الموت ، الیاس ، البتکین ، جزء
کلمه است نه الف و لام تعریف .

۱۱- کلمات خارجی^(۱) را که صدای O (یا AU=O) دارند گاه به واو و گاه

بی واو می نویسند :

الف: اتوبیل، موتور، فیزیولوژی، کلکسیون، شوfer، فراماسیون، گارسون
سوسیالیست، دموکرات .

ب: فرم، مد، رز، ژرژ، متد، بن، کنستانتین، کار، تلفن . . .

در این مورد قاعده‌ای به دست نمی‌توان داد و باید آنچنانکه می‌نویسند منظور کرد جز اینکه در کلمات فیزیولوژی و مانند آن که جزء «لژی» را با واو و بی‌واو می‌نویسند، بی‌واو نوشته شود: فیزیواژی، سوسیواژی، متدلژی .

اما صدای U (ا^۱) در همه جا به صورت واو نوشته می‌شود: سوژه، کولتور، ژوری.
در مقابل eu فرانسه در کلماتی از قبیل ادیتور، آماطور، سنیور، تراکتور، فاکتور
واو نوشته می‌شود و گاهی که تلفظ آن به کسره تبدیل گردد مانند (شوfer) از نوشتن
آن چشم‌پوشند.

۱۲- کلماتی از قبیل طاووس و داوود مطابق تلفظ با دو واو نوشته شوند
(رعایت اصل تطابق مافوظ با مکتوب) .

۱۳- در مورد نام‌های دو جزئی یا سه جزئی باید مطلقاً جزء دوم یا سوم را نیز در ترتیب

الفبایی محسوب کرد :

بهار بخارایی

روحانی تبریزی

بهار خراسانی

روحانی سمرقندی

۱- در این مورد مبنای قاعده، کلمات فرانسوی است، زیرا لغاتی که از آن در فارسی

به کار می‌رود بیشتر از سایر زبانهاست، و شایسته است که در کلمات خارجی که فرانسوی
و انگلیسی آنها هر دو استعمال می‌شود برای اجتناب از هرج و مرج تلفظ فرانسوی برگزیده
شود .

بهارشروانی

روح بشر

بهارى

روح شیرازی

بهار یزدی

(اولاً از نظر رعایت صورت کلمه (نام)، ثانیاً به جهت اینکه جزء دوم یا سوم غالباً جزو نام است و بی آن شناخته نمی شود).

۱۴- کلمه (دیوان) در آغاز نام دیوانهای شاعران محسوب گردد (زیرا که این کلمه جزء نام کتاب است و بی آن ناقص است) : دیوان حافظ - دیوان رودکی - دیوان سعدی .

یادآوری - در اینگونه کتابها از القاب و عناوین باید چشم پوشید ، مثلاً : دیوان حکیم سنائی غزنوی ، دیوان سنائی ، هر دو را باید ذیل دیوان سنائی درج کرد .

۵- کلمه کتاب یا رساله یا ترجمه در آغاز نامهای کتب منظور نشود، مثلاً کتاب نهج البلاغه، کتاب التنبیهات، ترجمه النهایه سبزواری، ترجمه اتلویه ترتیب در نون و نون و الف باید بیاید (مگر اینکه جزء اصلی نام کتاب باشد و بی آن ناقص شود که در این صورت باید منظور شود مانند کتاب العین ، رساله عشق، همچنین است در کتابهایی از قبیل «ترجمه محاسن اصفهان» «ترجمه تاریخ یمینی» و «ترجمه تفسیر طبری» که جزو متون فارسی به شمار می آیند، و کلمه «ترجمه» منظور می شود .

۱۶- کلمات اسماعیل ، رحمان و... از نظر تطابق تلفوظ با مکتوب به همین صورت (با الف در وسط) نوشته شود و منظور گردد:

چنین نباشد

چنین باشد

رحم به حیوانات

اسم عام و خاص

رحمان

اسماعیل

رحمان

اسمعیل

رحم به حیوانات

اسم عام و خاص

۱۷- در کلمات خارجی از قبیل امریکا، افریقا، الکل، الکساندر، الگری و نظایر آنها بهتراست حرف اول آ یا ا منظور شود نه آ (در این مورد کلمه آسیارا باید استثنا کرد) - اما باید دانست که اصولاً در مورد این گونه کلمات که به A آغاز می شوند قاعده کلی در دست نیست و باید از طرز استعمال پیروی کرد: آسانسور، آهاندیس، آنژین، آمازن، آهارتمان ... - اتم، اریستوکرات ...

۱۸- قواعد همزه. همزه^۱ در آغاز کلمه:

یک - در آغاز کلمات مأخوذ از عربی عیناً مانند همزه در آغاز کلمات فارسی نوشته شود، مانند اکبر، ایمان، انس، الفت و اسم. بنا بر این ایدرژن بهتر است به همین صورت نوشته شود.

همزه در آخر کلمه:

دو - همزه ساکن در آخر کلمه پس از الف محدود (نه مانند جزء) چه اصلی باشد مانند ابتداء - چه مبدل از واویا یا مانند ارضاء، انقضاء و چه زاید، جزء علامت تانیث یا جمع مانند بیضاء و اطباء، غالباً در تلفظ فارسی زبانان حذف می گردد و کلمه تابع کلمات مختوم به الف، در فارسی می شود:

ابتدای کار - بنای عالی قاپو - انقضای مدت - انبیای بنی اسرائیل (یا های وسط در ترتیب الفبایی باید منظور گردد).
همزه در وسط یا آخر کلمه:

سه - همزه ساکن پس از فتحه در وسط یا آخر کلمه روی الف نوشته می شود: رأس، رافت، مانوس، مستاجر، تادیب (در وسط کلمه) - مبدأ، منشأ، ملجأ، خلا^۲ (در آخر کلمه).

چهار - در وسط کلمه میان فتحه و الف محدود به شکل مد روی الف نوشته می شود، مانند: مآخذ، مال، مآب، لالی، مآثر، منشآت.

پنج - در وسط یا آخر کلمه پس از ضمه همیشه روی واو نوشته می شود: مؤمن

۱- در تدوین قواعد همزه از طرح رسم خط آقای مصطفی مقربی نیز استفاده شده است.

ومؤمن - رؤیت ، رؤیا، مؤذن ، مؤدی ، سؤال ، مؤخذه ، رؤسا ، لؤلؤ ، تهییؤ ، تکافؤ .

اما اگر در این حالت، پس از همزه و او سمدود بیاید تابع قاعده هفتم است یعنی روی دنداننه (ی) نوشته می شود: رئوس، شئون .

شش - در آخر کلمه پس از حرف صامت یا مصوت‌های بلند و . و . ی .
(I و U و O) جداگانه به علامت خود همزه نوشته می شود: جزء ، شیء ، ضوء ، سوء ، بطیء .

همزه در وسط کلمه :

هفت - همزه در وسط کلمه چه متحرک باشد چه ساکن، در این موارد روی دنداننه « ی » یا « ی » نوشته می شود:

الف - پس از کسره: ائمهلاف، بشر، ذئب، تخطئه، تبرئه، لئام، و همچنین است در کلمات خارجی تاثیر، ستائیس، جزایر، بالئار، رئالیست، ایدئالیست و ارئان.
ب - پیش از فتحه: مسئله، هیئت، جرئت، دفانت، اسائءادب، ارائءه طریق. و همچنین است در کلمات خارجی: ژوئن، بدوئن، گروئنلند .

ج - پیش از «و» (U): شئون، رئوس، رئوف، مئوت، مسئول، مرئوس، و همچنین است در کلمات خارجی: زئوس، سئول؛ و نیز در کلمات فارسی زائو و مئو.
د - همزه های پیش از O در کلمات خارجی: کاکائو، لائوس، لئون، تئودور لئوپولد، برئو، ژئوفیزیکی .

ه - همزه مکسور مانند ائمه، مسائل، مصائب، خائن، کائنات . و همچنین است در کلمات خارجی، مانند: نوئل، سوئد، پوئوس آیرس، رافائل، پوسوئه (در فارسی همزه بعد از الف غالباً «ی» تلفظ می شود بهتر است «ی» منظور گردد و مانند کاینات، غایب، رسایل، عجایب ...).

و - پیش از مصوت بلند «ی» (I) مانند: مرئی، رئیس، لئیم، جبرئیل . همچنین است در کلمات خارجی تائیس، اوکرائین، تیفوئید، بمبئی، پروتئین، کافئین، و آلدئید